

دکتر یمین خان لاهوری

سرپرست هیئت استادان و دبیران پاکستانی

دانشگاه سپاهیان انقلاب

# نخستین گهواره شعر و ادب فارسی

در شبیه قاره هند و پاکستان باستان

اگر ما اوضاع سیاسی عصر غز نویان را مطالعه کنیم روشن میشود که بعد از آل سبکتکین سلجوقیان در ایران استیلا گرفتند و غز نویان در برابر ایشان در هند و پاکستان باستان استحکام یافتند.

مؤسس سلاله سلجوقیان از سران ترکان غز پسر دقاق بود که سلجوق نام داشت و بدینجهت فرمانروایان این دودمان بنام سلجوقیان معروف شدند.

در تاریخ (۱) مشهور است که آل سبکتکین از عصر محمود بن سبکتکین غز نوی تا زمان مسعود (اول) بن محمود غز نوی بر کشورهای افغانستان و ایران و هند و پاکستان باستان فرمانروائی می کردند ، و مرحوم دکتر رضازاده شفق چگونگی استیلای سلجوقیان را بدین الفاظ در بیان آورده اند .

بسال ۴۳۱ هـ نوه های سلجوق یعنی دو برادر چغری و طغرل که قدرتی پیدا کرده بخراسان آمده بودند و غز نویان را مغلوب ساختند - اولی در مرو و دومی در نیشابور فرمان دادند تا خطبه بنام آنان خوانده شود - بسی نگذشت که کار طغرل پیشرفت نمود و وی رامقر خود انتخاب کرد و بقتوحات پرداخت و تا بغداد رفت و خلیفه مقدم او را بخوبی پذیرفت. باین ترتیب حکم مت سلجوقی استوار گردید

و بتدریج ترقی کرد ، ( ۲ ) .

در عصر سلجوقیان علوم و فنون پیشرفت فراوان کرد مخصوصاً شعر فارسی بکمال رسید و سخنوران معروف مثل باباطاهر همدانی و ابوسعید ابوالخیر و سنائی و عطار و ناصر خسرو و عمر خیام و معزی و انوری ظهور یافتند ، از این جهت سلاطین این دودمان نه تنها بنام سلجوقیان ، بلکه بمنوان سلاجقه کبیر هم نامیده می شوند و در آن عصر اگر چه شعر فارسی در ایران کمال یافته بود ولی در برابر ایران در پاکستان باستان هم بر اه ترقی میبود .

بین تواریخ اصلی که راجع به غزنویان نوشته شده و مستندترین آنها شرح ذیل است :

- ( ۱ ) زین الاخبار ۳ ( س ت ۴۴۰ ه ) گردیزی
  - ( ۲ ) تاریخ بیهقی ۴ ( س ت ۴۷۰ ه ) ابوالفضل بیهقی
  - ( ۳ ) تاریخ بیهق ۵ ( س ت ۵۶۳ ه ) ابوالحسن علی ابن فندق
  - ( ۴ ) تاریخ یعینی ۶ ( س ت ۶۰۳ ه ) ابونصر محمد بن جبار ، عینی
  - ( ۵ ) طبقات ناصری ۷ ( س ت ۶۵۸ ه ) منهاج بن سراج لاهوری
- در این کتابها در زمانیکه سلجوقیان در ایران استیلا یافتند ، سلسله دولت غزنویان از ایران منقطع گردیده با غزنی اقتاد و این واقعه بقول ابن فندق در سال ۴۲۷ ه بوجود آمد ،

و آن عصر مسعود ( اول ) بن محمود غزنوی است اگر چه سلجوقیان ، غزنویان را مغلوب ساختند ولی سلسله غزنویان هیچ وقت منقرض نگردید - بعد از استیلا سلجوقیان در ایران پایتخت خود را در مرو نیشابور تأسیس کردند و در برابر ایشان غزنویان هم پایتخت خود را در غزنه قرار دادند ولی از روی اوضاع سیاسی نتوانستند غزنه را مستقلاً پایتخت خود قرار دهند ، نتیجه در برابر غزنه در لاهور هم پایتخت خود را تأسیس کردند و تدریجاً سلسله حکومت ایشان از ایران گسسته شد و با هند و پاکستان باستان استوار گردید و بالاخره در عصر مسعود ( سوم ) بین ابراهیم غزنوی لاهور از حیث پایتخت غزنویان کاملاً استحکام یافت و امور مملکت در عهد او منتظم گردید ، چنانکه صاحب طبقات ناصری در بیان آورده است :

« و در ایام دولت او ( مسعود سوم بن ابراهیم غزنوی ) حاجب بزرگه قوت شد طغنا تکین از آب گنگ مبره کردند ، بجهت غز ، و هندوستان بجایی رسید که جز سلطان محمود هیچ لشکر آنجا نرسیده بود و همه امور مملکت در عهد او منتظم بود ، ۸

یعنی پیش از عصر مسعود ( سوم ) امور ملك غزنویان در هند و پاکستان باستان چندان منتظم نگشته بود که در زمانش استحکام یافت و همین اصل است که پایتخت غزنویان در لاهور در عصر مسعود ( اول ) بن محمود غزنوی یعنی تقریباً در سال ۴۲۷ - ۴۲۸ هجری قمری تأسیس شده بود و در عصر مسعود ( سوم ) بن ابراهیم غزنوی پایتخت ایشان در پاکستان باستان استحکام یافت و سال تولد و وفات مسعود ( سوم ) بن ابراهیم غزنوی طبق بیان منهاج الدین لاهوری از این قرار است :

د ولادت او ( مسعود سوم ) به غزنین بود در سنه ثلث و خمسين و اربعماية ( ۴۵۳ ) و مدت ملك او هفده سال بود و مدت عمر او پنجاه و هفت سال بود و در سنه تسع و خمسة ( ۵۰۹ هـ ) بر حمت حق تعالی پیوست ، ۹  
نوشته مزبور روشن می سازد که غزنویان در عصر مسعود ( سوم ) بن - ابراهیم غزنوی در هند و پاکستان باستان استحکام یافتند و لاهور از حیث پایتخت غزنویان مستقلاً مستحکم گردید

### تأسیس اولین گهواره شعر فارسی در لاهور

در تاریخ مشهود است که کردار محمود غزنوی نه تنها از حیث مفکر سیاسی بلکه از حیث سخن سنجی و ادب پروری هم اهمیتی بزرگ دارد ، راجع به جذبه علم دوستی و ادب پروری محمود ، مؤلفین دائرة المعارف اسلام یعنی گپودیگران توصیف فراوان کرده اند .

بعد از محمود غزنوی ، جانشینان او هم ادب پروری را بمیراث بردند و به شعر و ادب فارسی خیلی دلچسپی نشان دادند و از پایتخت غزنه نه تنها پایتخت غزنویان مانده بلکه یکی از معروفترین مراکز شعر و ادب فارسی بشمار میرفت که سخنوران برجسته مثل عنصری و فرخی و منوچهری و فردوسی را به وجود آورد .

اگر ما در برابر ایران در شبه قاره هند و پاکستان باستان ، اوضاع سیاسی و ادبی غزنویان را مطالعه کنیم ، روشن می شود که در عصر مسعود ( اول ) بن محمود غزنوی از آن روزی که لاهور ( لاهور ) در برابر غزنه بعنوان پایتخت تأسیس گردید بسیاری از فارسی گویان از ایران و ترکستان و افغانستان همراه خانواده های بزرگ وارد لاهور شدند .

و بقول ابوالفضل بیهقی ( ۱۰ ) سعد سلمان همدانی در همین شهر لاهور در عصر مسعود ( اول ) همراه امیر مجدود بعنوان مستوفی ( حسابدار ) درآمد و

در آنجا اقامت پذیر شد و پسرش شاعر بزرگ این ناحیه ، مسعود سعد سلمان لاهوری در همین شهر زیبای لاهور با بجهان گذاشت و در عصر مسعود ( سوم ) بن ابراهیم غزنوی شهره سخنوری گرفت .

غیر از او سخنوران و عارفان بزرگ و نویسندگان زبان فارسی هم با این شهر در آمدند .

بقول رحمان علی مؤلف تذکره علمای هند ، نخستین مبلغ اسلام و عارف بزرگ شیخ اسمعیل لاهوری در سال هزار و پنجاه و پنج ۱۰۰۵ میلادی تقریباً در برابر سه هزار نود و شش هجری قمری یعنی در عصر محمود غزنوی از بخارا ( ترکستان ) رو بلاهور نهاده علم تفسیر و حدیث را درس می دادند که در همین شهر در سال ( ۴۴۸ هجری قمری ) در گذشت ۱۱۰

از بزرگان دیگر قابل ذکر عارف وارسته و نویسنده زبان فارسی ، سید مخدوم علی بن عثمان هجویری المعروف به حضرت داتا گنج بخش لاهوری است که از محله هجویر کابل ( افغانستان ) بلوهور ( لاهور ) آمده و بعد از سیاحت افغانستان و ایران و عراق و بغداد و مصر و شام تحصیل عرفان کرده به لاهور باز گردیده و در آنجا سکنی گزیده است .

در کتب تاریخ ادبیات شبه قاره هند و پاکستان باستان نخستین کتاب تصوف که بزبان فارسی در لاهور نوشته شده بعنوان کشف المحجوب اثر همین بزرگمرد است که در آن اسرار و رموز تصوف را شرح نموده است و شهزاده دارا شکوه راجع به کشف المحجوب ، چنین رقم طراز است :

« حضرت علی هجویری را تصنیف بسیار است ، اما کشف المحجوب مشهور و معروف است و هیچکس را بر آن سخن نیست و مرشدی است کامل در کتب تصوف بخوبی آن در زبان فارسی کتابی تصنیف نشده ۱۲۰

نویسنده عقیده دارد که حضرت داتا گنج بخش لاهوری که نامش علی و نسبش به حضرت علی علیه السلام می رسد تمام عمرش را در همین ناحیه لاهور در تعلیمات روحانی و ادبیات فارسی صرف نموده است و بعد از مرگ مادی از لحاظ روحانی زندگی جاوید یافته است .

حضرت علی لاهوری علاوه بر مقام عرفانی و توانائی در نشر فارسی یکی از شعرای برجسته لاهور هم بشمار میرود ، متأسفانه دیوانش در دست نیست و اشعاری چند از او در زیر می آوریم :

## اشتیاقت روز و شب دارم دلا

عشق تو دارم همسان و بر ملا  
 جان بخواهم داد ، اندر کوی تو  
 گر مرا آزار آید یا بلا  
 سوز تو دارم میان جان و دل  
 می‌دهم از عشق تو ، هر سو صدا  
 دلبر از تو همی خواهم لقا  
 کن تو « آری » و ممکن هر گز تو دلا ،  
 ای علی ، تو فرحی در شهر و کو  
 ده ز عشق خویشتن ، هر سو صلا ۱۳

این عارف و شاعر بزرگ پارسی گوی درخاک لاهور بخاک سپرده شده  
 و هزارها مرد وزن پروانه وار روز و شب گرد مزارش طواف می کنند بر سنگ  
 مزارش این الفاظ نقر شده است :

حامداً و نصلياً

بسم الله الرحمن الرحيم

الا ان اولياء الله لا حول عليهم و لهم يحزنون

مرکز تجلیات

قدوة السالكين ، زبدة العارفين ، حجة الكاملين ، مظهر المعلوم الخفی والجلی  
 المشهور و مخدوم علی هجویری المعروف حضرت داتا گنج بخش لاهوری قدس الله  
 روحه ولا زالت تجلیاته ویر کاته دایماً ابدأ ابدأ .

گنج بخش فیض عالم مظهر نور خدا

ناقصان را پیر کامل کاملان دارهنما ۱۴

( شعر از حضرت معین الدین چشتی )

ورود دانشوران از افغانستان و ترکستان و ایران به پایتخت غزنویان در  
 لاهور از عصر مسعود ( اول ) بن محمود غزنوی تا آخر عصر ابراهیم غزنوی یعنی  
 از سال ۴۲۱ تا ۴۹۲ هـ تقریباً هفتاد سال ادامه داشت و جمعی از دانشمندان و  
 سخنوران فارسی گوی در لاهور اقامت گزیدند .

درین مدت هفتاد سال زبان فارسی که تنها در طبقه بالای دربار بوده ،  
 به حلقه خواص و عوام درآمد و زبان رسمی گردید و بسیاری از اهل لاهور که از  
 نژاد فارسی گویان نبودند ، زبان فارسی را به آسانی می فهمیدند و بعضی از آنها

بزبان فارسی حرف می زدند .

اگرچه سلطان ابراهیم غزنوی مثل اجداد خود مریدی شعر و ادب فارسی بوده ولی حقیقت اینست که وزیر فاضل او ابو نصر فارسی که خودش از فارس ایران زمین بوده گوهر شعر فارسی را در صدف ناحیه ی لاهور بجان پرورید و روی همین اصل است که در آن عصر سخنوران بی مثال و استادان زمان مثل ابوالفرج لاهوری، مسعود سعد سلمان لاهوری مانند جواهر آبدار از صدف خاک لاهور پدید آمدند .  
 بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره معلوم می دارد که مخصوصاً در عصر مسعود ( سوم ) بن ابراهیم غزنوی در دارالسلطنه لاهور آسودگی و خرمی بوده و همه با فراغ بال و آسودگی خیال زندگی می کردند و خود سلطان مسعود که علم دوست و ادب پرور بوده شعر و ادب را عام کرده و برای تحفظ تفسیر قرآن و اخبار جهان و اشعار معجز بیان در همین دارالسلطنه لاهور یک کتابخانه شاهی بعنوان « دارالکتب » هم تأسیس کرده ، چنانکه از اشعار مسعود سعد سلمان لاهوری پیداست که در ستایش مسعود ( سوم ) بن ابراهیم غزنوی بمناسبت ایجاد کتابخانه سلطنتی سروده :

جهان دارا ، یکام دل ، جهان دار

جهان جز بر سر پر ملک ، مگذار

نه زن گوید که بر تن نیست جامه

نه گوید بچه بر سر نیست دستار

دعای شاه ، چون تسبیح گویند

عیال بی حد و اطفال بسیار

دهد هر علم را نظمی که هر کسی

بود از علم نوعی را خریدار

کند مشحون همه طاق و رف آن

به تفسیر و به اخبار و به اشعار

ببیاراید کنون دارالکتب را

به توفیق خدای فرد چهار

ز هر دارالکتب کانداز جهانست

چنان سازد که بیش آید زمقدار ۱۵

بنا بر دلایل و شواهد تاریخی و ادبی که ذکر شد، ثابت گردید که نخستین گهواره شعر و ادب فارسی که اولین بار در تمام شبه قاره هند و پاکستان باستان تأسیس گردید همین شهر زیبای لاهور است و از قرنهاى دراز تا ایندم هم بعنوان بهترین مرکز ادبیات فارسی بشمار میرود و همیشه مرجع دلبستگی دانشمندان ایرانی هم بوده است.

در پایان از خدای متعال خواستارم که این رشته محبت و دوستی بین پاکستان و ایران همیشه قائم و دائم بماند بمنه و بفضل کریمه.

دوستی پاک و ایران زنده باد

زنده و تابنده و پاینده بساد

\*\*\*

۱ - منهاج الدین بن سراج لاهوری - طبقات ناصری (بتصحیح و لیم

تاسولوسی) کلکته کالج پریس، ۲۱۸۶۳، ص ۵-۲۶

۲ - دکتر رضا زاده شفق - تاریخ ادبیات ایران، مؤسسه چاپ و

انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۴۱، ص ۱۰۵

۳ - «سال تصنیف زین الاخبار، ۴۰۴ هجری»، [حواله: سر ورق

کتاب «زین الاخبار» بتحقیق محمد ناظم یوننی و رستی علی گر، چاپ برلن

[۱۹۲۸]

۴ - «بیهقی تصنیف کتاب اشتغال داشته تا در صفر سال ۴۷۰ ه در گذشته

است»، [دکتر فیاض مقدمه تاریخ بیهقی ص رزم: چاپخانه بانک ملی، تهران

[۱۳۲۴ خ]

۵ - «ابن فندق تاریخ بیهقی را بتصریح خود در سنه ۵۶۳ ه در زمان

سلطان مؤید آبی ابه از غلامان سلطان سنجر که بلافاصله بعد از وفات سنجر

بر خراسان مسلط شد، تألیف نموده است»، [رجوع شود به نوشته

عبدالوهاب قزوینی مقدمه تاریخ بیهقی چاپ تهران ۱۳۰۸ ه]

۶ - «سال تصنیف تاریخ بیهقی ۶۰۳ هجری است»، رجوع شود به نوشته

- دکتر ذبیح‌الله سفا تاریخ ادبیات ایران چاپ کتاب فروشی ابن سینا ، تهران  
۱۳۳۹ خ ، ۲ ج ، ص ۱۰۱۲
- ۷ - د سال تصنیف طبقات ناصری ن ۴۵۸ ه میباید رجوع شود به :  
منهاج بن سراج لاهوری : طبقات ناصری آخر کتاب ص ۴۵۱ ، چاپ کلکته  
۱۸۶۴ م
- ۸ - منهاج‌الدین لاهوری : طبقات ناصری ، چاپ کالج پریس ، کلکته ،  
۱۸۶۴ م ص ۲۲
- ۹ - ایضاً ص ۲۲
- ۱۰ - ابو الفضل بیهقی : تاریخ مسعودی المعروف تاریخ بیهقی ، تألیف  
تاسویس ، کالج پریس ، کلکته ، چاپ سال ۱۸۲۶ م ص ۵۰۱
- ۱۱ - رحمان‌علی محقق بیمثال : تذکره « علمای هند » مطبع نولکشور  
لکنهو ۱۹۱۴ م ص ۲۳
- ۱۲ - شهزاده دارا شکوه : سفینه الاولیا ، مطبع نولکشور ، لکنهو  
تاریخ چاپ ماه مه ۱۸۷۲ م ص ۱۶۴
- ۱۳ - شیخ محمد اکرام : آب کوثر ، مطبعه فیروز سنز لاهور ص ۸۷
- ۱۴ - نویسنده بچشم خودش دیده و نوشته است
- ۱۵ - مسعود سعد سلمان لاهوری : دیوان مسعود لاهوری ، به تصحیح  
آقای رشید یاسمی ، چاپ کتابفروشی ادب ، ۱۳۱۸ خ ص ۲۲۳-۲۲۴

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

